

نگاه تازه

سعید الهویی

ایجاد ارزش افزوده از ونگرو آرسنال تا فوتبال ایران

در یادداشت قبلی به واژه «ارزش افزوده» در فوتبال و مربیگری رسیدیم. مربیگری، پروسه تولید است. تولید چه؟ در وهله اول نتیجه. مربی باید تیم را به سمت پیروزی و موفقیت در اهداف مشخص شده راهبری کند. این اهداف در حوزه نتیجه می‌تواند قهرمانی، کسب سهمیه مسابقات بین‌المللی، جایگاه مناسب در جدول و یا ماندگاری در جدول و عدم سقوط به سطوح پایین‌تر باشد. اهدافی که می‌بایست متناسب با شرایط مالی، سخت‌افزاری باشگاه و کیفیت بازیکنان تیم و حتی سوابق باشگاه و میزان اقبال عمومی و هواداران باشد. ولی این موارد، تنها اهداف یک باشگاه فوتبال در سطح اول فوتبال دنیا نیست. به‌طور مثال، آرسنال با آرسن ونگر از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۸ نتوانست قهرمان لیگ برتر انگلستان شود و تنها چند قهرمانی در جام حذفی و جام خیریه به دست آورد ولی سهامداران و مالکان باشگاه آرسنال هیچ‌گاه به فکر تغییر مربی فرانسوی خود نبودند، چرا؟ دلیل‌اش ارزش افزوده‌ای بود که آرسن ونگر در باشگاه آرسنال ایجاد کرده بود، بدون قهرمانی در لیگ برتر و یا لیگ قهرمانان اروپا با وجود هزینه‌هایی که این باشگاه برای خرید بازیکن انجام می‌داد. آرسن ونگر با بهینه کردن خط تولید بازیکن در باشگاه آرسنال، یا به زبانی تخصصی‌تر با ایجاد و بسط سیستم استعدادیابی جهت شناسایی استعدادها در شرایط سنی، مالی مناسب و همچنین با پروسه تمرینی مناسب جهت توسعه مهارت‌های بازیکنان، موفق به ایجاد سود در باشگاه آرسنال شده بود. ونگر و آرسنال تبدیل شدند به بهترین خریدار و همزمان بهترین فروشنده در فوتبال اروپا. جذب استعداد‌های جوان حتی از آکادمی‌های باشگاه‌های دیگر اروپایی (دلیل انتقال فابرقاس از آکادمی بارسلونا به آرسنال، فضای مناسبی بود که آرسن ونگر برای استعداد‌های جوان در این باشگاه ایجاد کرده بود) و توسعه این بازیکنان با تمرینات و البته فرصت بازی کردن در لیگ برتر منجر به پدید آمدن بهترین خط تولید بازیکن در سطح اول فوتبال اروپا شد. حاصل عملکرد ونگر یا بهتر بگوییم ارزش‌افزوده‌ای که او برای آرسنال ایجاد کرده بود، توان مالی بالای این باشگاه برای ساخت استادیوم بزرگ و مجهز، تغییر کمپ تمرینی و سرمایه‌گذاری‌های دیگر با وجود عدم کسب درآمد بالا از لیگ برتر یا لیگ قهرمانان اروپا بود، حداقل نه درآمدی در حد قهرمانان این لیگ‌ها.

ارزش افزوده، در فوتبال ایران واژه ناشناخته‌ای است. بدون جوابز نقدی برای قهرمانی در لیگ و یا پاداش براساس جایگاه در جدول رده‌بندی، بدون حق پخش تلویزیونی و یا کپی راییت، تنها دو راه باقی می‌ماند؛ اولی استعدادیابی و جذب استعداد‌های جوان و رشد و توسعه این بازیکنان با پروسه تمرین و دیگری کسب سهمیه لیگ قهرمانان آسیا است که می‌تواند منجر به کسب درآمد شود. بحث این یادداشت در مورد موضوع اول است: جذب و پرورش استعداد‌های جوان و فروش این بازیکنان جهت کسب درآمد. لیگ بلژیک، هلند و پرتغال بهترین نمونه‌های این رویکرد در فوتبال اروپا هستند. پروسه تولید بازیکن مانند پروسه تولید در یک کارخانه است: نیاز به مواد اولیه، اتلاف و دور ریز بخشی از مواد اولیه، کیفیت متفاوت در محصول و اهمیت بازاریابی جهت فروش محصولات.

نکته اول، پذیرفتن این موضوع است که همانقدر که کیفیت مواد اولیه خریداری شده جهت خط تولید اهمیت دارد، پذیرفتن اینکه بخشی از مواد اولیه منجر به تولید محصول باکیفیت نخواهد شد هم اهمیت دارد. مثال این موضوع، رویکرد باشگاه‌های بلژیکی و فرانسوی در خرید بازیکنان جوان و بااستعداد آفریقایی است، تعداد زیادی از این بازیکنان جوان حتی تبدیل به بازیکن حرفه‌ای هم نمی‌شوند، بخشی از این بازیکنان تنها تبدیل به بازیکنان معمولی می‌شوند و تنها چند بازیکن انگشت‌شمار تبدیل به بازیکنانی باکیفیت جهت ارائه در بازار نقل و انتقالات می‌شوند. ولی همین چند بازیکن باکیفیت، می‌تواند چرخه اقتصادی سیستم استعدادیابی باشگاه و حتی بخش عمده‌ای از هزینه‌های باشگاه را پوشش دهد. این رویکرد در باشگاه‌های پرتغالی با تمرکز بر بازار برزیل و بخشی از کشورهای آفریقایی پرتغالی زبان، منجر به حضور این لیگ در صدر فروش بازیکنان در اروپا می‌شود.

خلاصه کلام، فوتبال ایران نیازمند یافتن شاخصی است که بتواند مربیان را با آن بسنجد. در هر فصل تنها دو تیم و دو مربی قهرمان می‌شود (لیگ برتر و جام حذفی)، سنجش عملکرد سایر مربیان براساس چه شاخص‌هایی است؟ کدام باشگاه می‌تواند ارزش‌افزوده‌ای که مربی‌اش ایجاد کرده است را بسنجد؟ اصولاً چنین واژه‌ای در ادبیات مدیران فوتبال ایران وجود دارد؟

ایجاد ارزش افزوده، نیازمند بازاری برای فروش و کسب درآمد است. سهم فوتبال ایران از این بازار چقدر است؟ چه شاخصه‌هایی می‌تواند فوتبال ایران را به سهمی مناسب از بازار نقل و انتقالات فوتبال دنیا برساند؟ این سؤال‌ها، موضوع یادداشت بعدی است.

۲۴مین

آغاز بیست‌و‌چهارمین سال انتشار «ایران ورزشی»

تجدید عهد در روزهای سخت



ومال روحانی

Vesal Rohani



امروز (اول خرداد ۱۳۹۹) پایان بیست‌وسومین سال انتشار «ایران ورزشی» و آغاز بیست‌و‌چهارمین سال حیات آن‌هاست. آن‌چه در این مدت طولانی گذشت و هر اتفاقی که در این سال‌ها افتاد، نشانگر راهی است که باید طی شود تا سال جاری و ایام بعدی برای این نشریه پربارتر سپری شود و ایران ورزشی باز هم چراغی روشنگر فراروی ورزش باشد و ایرادها را بگوید و نکاتی را گوشزد کند که پرداختن به آن باعث پربارتر شدن ورزش کشور می‌گردد.

در روز اول خرداد ۱۳۷۶ بود که «ایران ورزشی» برای نخستین‌بار روی دکه‌های مطبوعات خودنمایی کرد اما این روزنامه محصول کاری چند ساله بود و از درون روزنامه ایران که از اول بهمن ماه ۱۳۷۳ متولد شد، نشأت گرفته بود. بواقع سرویس ورزشی روزنامه ایران که هر روز دو صفحه را تولید و ارائه می‌کرد، با بسط یافتن و جذب هرچه بیشتر نیروها به خاستگاه اولیه ایران ورزشی تبدیل شد و در طول سال ۱۳۷۵ آنقدر نفر و نیرو جمع کرد تا برای تشکیل یک گروه تولید‌کننده روزنامه‌ای ورزشی و بسیط‌تر و با حداقل ۱۲ صفحه کفایت کنند و نه فقط انتشار حروف بلکه ارائه روزنامه‌ای غنی و قوی و باکیفیت هدف مدیران مؤسسه ایران بود. این مدیران پس از شکوفایی «ایران» که به همه شئون کشور و رخداد‌های جهان می‌پرداخت و همچنان می‌پردازد، به این نتیجه

احسن در نوشته‌های خود رعایت و آن را متجلی کند و از پوچی‌ها و جنجال‌ها کمتر بگوید و به جای آن به مسائل عمیق‌تر و بارزش‌تر ورزش ورود کند.

ایران ورزشی به ورزش ایران هم اکتفا نکرده بلکه وصف ورزش جهان را هم آورده و توضیح داده که چرا در بسیاری از کشورها سیاست‌های کارآمدتر سبب‌ساز موفقیت‌های بزرگ‌تر در ورزش شده و چه می‌توان کرد تا ما نیز همان نگره‌ها و راه‌های موفق‌تر را در پیش بگیریم و به جایی برسیم که ورزش ذاتاً پر قدرت ایران سزاوار آن است.

ورزش همواره مسأله‌ای پر شور و رویدادی حیات‌ساز بوده و پرداختن به آن نه تنها جوامع را به سوی سلامتی رهنمون کرده بلکه امید و روحیه و تحرک را به تمامی واحدها و گروه‌های شغلی و حتی به وزارتخانه‌ها و نهادهای تصمیم‌گیرنده تزریق کرده تا خط مشی مفیدتری را برای کشور پی‌ریزند و همگی در یک روند پرشور به سوی آینده به حرکت درآیند، می‌توان صدها کلمه دیگر هم در این ارتباط نوشت و از خوبی‌های ورزش گفت اما مهم‌تر و تأثیرگذارتر از آن تجدید عهد با خوانندگان در سالگرد تولد روزنامه است. عهدی که موجب شود ما در سال‌های بعدی نیز همان قدر تلاشگر و متعهد و منصف بمانیم که تا به حال بوده‌ایم و ورزش را چنان بکاویم که سایرین به سبب مشکلات مختلف و کمبود وقت از پرداختن به آن محروم مانده‌اند. این عهد ما با همه مردم و تمامی ورزشی‌ها و دوستداران جذاب‌ترین پدیده جهان طی این سال‌های طولانی است و امیدواریم مردم و همراهان همیشگی این نشریه همچنان در کنار ما بمانند و ما را بر این راه تقویت و به سوی توفیق‌های بیشتر رهنمون کنند.

رسیدند که می‌توان و باید روزنامه‌ای مستقل و مختص ورزش داشت که فقط به این مقوله انسان‌ساز بپردازد و رویداد‌های این رشته را در ایران و جهان تعقیب و به بهترین شکل بیانگر و تحلیل‌کننده آنها باشد. «ایران ورزشی» پس از ماه‌ها کار و تلاش و انتشار شماره‌هایی امتحانی در این زمینه سرانجام در بهار ۱۳۷۶ به جمع مطبوعات کشور وارد شد و با اینکه در شروع کارش مشکلاتی داشت اما مثل هر روزنامه هدمند دیگری که مقاصدی درازمدت داشته باشد، به تدریج جا افتاد و به مدارج و مراحل فعلی رسید. مدارجی که امیدواریم کافی و مفید بوده و مقبول طبع خوانندگان قرار گرفته و اثر و خاطرات نیکی را موجب شده باشد.

ایران ورزشی همواره و در تمامی اعصار خود و به‌رغم تغییر نسل‌ها و آمد و رفت مدیران و کارکنانی متعدد همواره کوشیده است در عین ادای وظایفش در زمینه خبررسانی یک تحلیلگر کامل هم باشد و از ریشه‌های کار و از چند و چون رویداد‌های ورزش بگوید و برای هر یک استدلالی بیاورد و رازها را بگشاید و فتح باب کند و از مطالبی که صرفاً جنجالی و مختص نشریات زرد باشد دوری کند و فقط انتقاد نکند و راهکار بدهد و بر سر آن بحث و اظهارنظر و ارائه طریق نماید. این خط‌مشی اینک در بهار سخت ۱۳۹۹ و اوضاع کرونا زده ورزش ایران هم برقرار است و گذشت سریع سال‌ها چیزی را از منشور کاری و دستورالعمل‌های ایران ورزشی نکاسته ولی هر ساله و در هر موقع مقتضی چیزی را که بر اساس مصالح روز باشد، بر آن افزوده است. این‌ها کمک کرده است تا «ایران ورزشی» در تمامی این مدت طولانی کمتر از جاده منطق خارج شود و بکوشد که عدالت را به نحو